نگاه

اصولگرایان و حال فعلی افراد!

محمدصادق کلبادی

• چندی پیش روزنامه کیهان در گزارشی با عنوان «نگاهی به دیروزنامه‌های زنجیره‌ای»، به تحلیل و تفسیر چند یادداشت و گزارش منتشرشده از برخی روزنامه‌ها ازجمله یادداشتی از روزنامه «شرق» پرداخت که وجه استدلالی آن در موارد متعددی، ناقض باورهای اصولگرایانه است. آنچه در این سبک از نقدها بیش از هر چیز به چشم می‌آید و ذهن مخاطب را درگیر مواضع پارادوکسیکال کیهانی‌ها می‌کند، مصادره به مطلوب‌کردن شخصیت‌ها و از آن بیشتر، تفسیر به مطلوب‌کردن وقایع و رویدادهاست. کیهان در این گزارش با اشاره به یادداشتی از روزنامه اعتماد، نوشت: «روحانی رئیس‌جمهور همه مردم است. آنان [اصلاح‌طلبان] به‌گونه‌ای وانمود می‌کنند که گویی رئیس‌جمهور تنها وظیفه خدمت‌رسانی به رأی‌دهندگان به خود را دارد!». در ادامه این گزارش آمده است: «تعمیم‌دادن برخی خواسته‌های سیاسی یک گروه به ۲۴ میلیون نفر، کاری است که پس از انتخابات توسط روزنامه‌های زنجیره‌ای دنبال می‌شود. حال آنکه پایگاه رأی ثابت جناح‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا مشخص است و طیف خاکستری عمدتا تعیین‌کننده هستند؛ طیفی که معمولا با عینک سیاسی رأی نمی‌دهند». گویا این دوستان روزهای طلایی دولت‌های نهم و دهم را از یاد برده‌اند؛ ایامی که دولت و کابینه‌ای یکپارچه و البته پاکدست را با حمایت کامل روانه پاستور کردند، حتی در دولت یازدهم، زمانی که اکثریت کرسی‌های مجلس در اختیار دوستان و همفکرانشان بود، در موارد متعددی نه به دلیل ناکارآمدی و کفایت و تخصص، بلکه با کلیدواژه فتنه و فتنه‌گر، رأی اعتماد وزرای پیشنهادی اصلاح‌طلب را با مشکل مواجه کردند؛ معیاری که به عقیده بسیاری از بزرگان نظام، درباره آن افراد محلی از اعراب نداشت. در انتها نیز دست رد به سینه برخی از آنها زدند و به خارج از بهارستان آنها را مشایعت کردند که مبادا جناح سیاسی مدنظرشان در اقلیت قرار گیرد. آیا اقداماتی از این دست، مصداقی بر سهم‌خواهی و اعمال سلیقه جناحی نیست؟ حال چرا آقایان دغدغه جناح رقیب درباره کابینه دولت فعلی را سهم‌خواهی اصلاح‌طلبانه و امری مذموم تفسیر می‌کنند؟ بی‌تردید آنهایی که جریانات سیاسی پس از انقلاب را رصد کرده باشند، این عبارت معروف حضرت امام را به یاد دارند که فرمود: «ملاک، حال فعلی افراد است». با عنایت به این مفهوم، پرسشی دیگر نیز مطرح می‌شود؛ چگونه می‌شود برخی همچنان با استناد به اتهامات ردشده گذشته، صلاحیت امروز افراد را زیر سؤال می‌برند؟

شواهد و قرائن نشان می‌دهد در ادبیات سیاسی اصولگرایان، «حال فعلی» ترجمه‌ای است از میزان قرابت و دلبستگی به جریان اصولگرا و در غیر این صورت، حال فعلی افراد دیگر ملاکی برای تشخیص نخواهد بود. مطالب مندرج در گزارش «کیهان» خود دلیلی بر این مدعاست که در ادامه به آنها اشاره شده است.

این گزارش در ادامه گریزی به یادداشت منتشرشده‌ای در روزنامه «شرق» می‌زند که در آن از محمدعلی نجفی به‌عنوان گزینه مناسب شهرداری پایتخت یاد شده بود و با آوردن بخشی از دلایل استعفای محمدعلی نجفی از ریاست سازمان میراث فرهنگی در دولت یازدهم، می‌نویسد: «حال مشخص نیست نجفی چطور و با کدامین توان می‌خواهد مدیریت شهرداری تهران را بر عهده بگیرد؟ درحالی‌که شهرداری تهران طبعا از ریاست سازمان میراث فرهنگی که وی بنیه اداره آن را نداشت، فعالیت بیشتری می‌طلبد». درحالی‌که نجفی، فشار کاری و مشکلات ناشی از بیماری قلبی خود را در آن بازه زمانی، دلیلی برای استعفای خود اعلام کرده بود؛ اما این بار نیز دوستان ملاک را شرایط گذشته ایشان قرار داده‌اند.

در جای دیگری از این گزارش، با اشاره به استعفای حجت‌الاسلام ناطق‌نوری از عضویت در هیئت مؤسس دانشگاه آزاد و یادآوری مواضع برخی اصلاح‌طلبان در دو دهه گذشته نسبت به آقای ناطق، مواضع امروز جریان اصلاحات در قبال ایشان را مزورانه و غیرواقع توصیف می‌کند.

برای درک بهتر تفسیر اصولگرایانه از حال فعلی افراد، کافی است نگاهی به رویش‌های اخیر در بدنه این جریان بیندازیم؛ جریانی که تا چندی پیش، خواننده زیرزمینی نواصولگرای امروز را در رسانه‌هایش نمادی از ابتذال و تباهی فرهنگی می‌دانست، امروز او را تواب و معیاری برای تمییز جبهه حق از باطل می‌خواند؛ چراکه در جریان یک رویداد سیاسی! از کاندیدای مدنظر اصولگرایان حمایت کرد و به ملاقاتش رفت. این بار دیگر ملاک، حال فعلی افراد می‌شود و خطای کرده و نکرده‌اش پاک! به‌طوری‌که هم‌ردیف چهره‌های سرشناس اصولگرایان، مورد تقدیر و تفقد هم قرار می‌گیرد. آیا چنین مواجهه دوگانه‌ای با افراد، چیزی جز مصادره و تفسیر به مطلوب این عبارت از حضرت امام نیست؟ چرا حال فعلی و مواضع رقبای سیاسی اصولگرایان، غیرواقع و مزورانه تفسیر می‌شود؛ اما ابراز همفکری «تتلو» با اصولگرایان، نوعی بازگشت به خوبی‌ها و شریعت تلقی می‌شود؟ با این همه، به نظر می‌رسد بازاندیشی در حال فعلی اصولگرایان، ضرورتی است که باید از سوی بزرگان این جریان در اولویت قرار گیرد.

politics@sharghdaily.ir

احضار بقایی یک روز بعد از آزادی

دادستان تهران علیه معاون احمدی‌نژاد اعلام جرم کرد

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی احمدی‌نژاد

شرق: یک روز بعد از آزادی با وثیقه، دوباره احضاریه جدیدی از سوی مأموران دادستانی به او ابلاغ شده است. حمید بقایی معاون اجرائی محمود احمدی‌نژاد که به گفته مقام قضائی به اتهام مالی بازداشت شده بود، چهارشنبه آزاد شد اما همان روز آزادی، در میان هواداران و خیل به‌پیشوازآمدگانش حرف‌هایی زد و انتقادهای عجیب و تندی از قوه قضائیه و سخنگوی آن کرد. فردای همان روز بود که عباس جعفری‌دولت‌آبادی، دادستان تهران، صحبت‌های آقای بقایی را «کذب» خواند و گفت که او بر همین مبنا با اتهامات جدید دوباره مورد تعقیب قرار می‌گیرد. بقایی که تا چهارشنبه هفته گذشته بیمارستان بود، طبق اخبار منتشرشده دیروز دوباره در بیمارستان بستری شده است. بقایی روز چهارشنبه گفته بود: «کاری نکردم که زندان بروم. در انتخابات شرکت کردم و نام فرد دیگری را نوشتم. می‌دانیم که...» حمید بقایی، گفته‌های سخنگوی قوه قضائیه، مبنی بر اینکه او خود نپذیرفته است به سلول عمومی منتقل شود را «دروغ» خوانده». غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، سخنگوی قوه قضائیه، گفته بود که قاضی دستور انتقال حمید بقایی به بند عمومی را داده اما او گفته که «در این سوئیت خیلی راحتم و در اینجا بمانم برایم بهتر است». بقایی همچنین در بخش دیگری از سخنانش ادعا کرده بود بیژن قاسم‌زاده، بازپرس پرونده، به او گفته که حسین فریدون، برادر حسن روحانی، از مدیرعامل سابق بانک ملت «۶۰ میلیارد تومان پول گرفته تا او به این سمت منصوب شود». حمید بقایی همچنین درباره وضعیت زندان‌ها مدعی شده است که: «شخصی در سلول ما ۱۳ ماه بدون بازجویی زندانی بود و به او اجازه تلفن‌زدن هم نمی‌دادند». دادستان تهران اظهارات حمید بقایی درباره زندانی‌بودن در سلول انفرادی، پرونده برادر حسن روحانی و بازداشت ۱۳ماهه یک زندانی بدون بازجویی را تکذیب کرده و گفته است ادعای بقایی مبنی بر زندانی‌بودن در سلول انفرادی، در بند ۲۰۹ زندان اوین، وابسته به وزارت اطلاعات، با توجه به نامه این وزارتخانه به دادستانی تهران «کذب است». به گزارش خبرگزاری ایرنا، عباس جعفری‌دولت‌آبادی پنجشنبه پنجم مرداد اعلام کرد بیژن قاسم‌زاده، بازپرس پرونده حمید بقایی، سخنان مطرح‌شده از سوی آقای بقایی به نقل از او، درباره حسین فریدون را هم تکذیب کرده است.

چهارم مرداد، خبر آزادی بقایی از سوی خبرگزاری فارس منتشر شد. خبرگزاری فارس در گزارش خود اعلام کرد که وثیقه‌ای که از سوی شعبه رسیدگی‌کننده به اتهامات پرونده بقایی تعیین شده بود، پرداخت شده است. ابتدا اعلام شده بود که مبلغ وثیقه ۵۰ میلیارد تومان است اما وب‌سایت «بهار»، نزدیک به محمود احمدی‌نژاد در خبر آزادی بقایی نوشت وثیقه ۲۰ میلیارد تومانی را «هواداران مردمی دکتر احمدی‌نژاد» تأمین کرده‌اند. بقایی که روز ۱۸ تیر از سوی بازپرس دادسرای رسیدگی به اتهام‌های مالی احضار شده بود به دلیل تأمین‌نشدن وثیقه ۵۰ میلیارد تومانی در بازداشت به سر می‌برد. چهار روز از بازداشت بقایی گذشته بود که علی‌اکبر جوانفکر در مطلبی که در کانال خود نوشت، از اعتصاب غذای بقایی سخن گفته بود. او یک بار دیگر در تاریخ سی‌ام تیر، نسبت به ادامه اعتصاب غذای بقایی ابراز نگرانی کرده و مسئولیت هر اتفاقی را متوجه مقامات دانسته بود. بعد از آن بود که سایت دولت بهار مدعی شد اعتصاب غذای بقایی به مرحله خطرناکی رسیده است. بقایی در نهایت سه‌شنبه‌شب گذشته به بیمارستان بقیةالله منتقل شد. سه‌شنبه‌شب محمود احمدی‌نژاد و علی‌اکبر جوانفکر در بیمارستان حاضر شدند تا با بقایی ملاقات کنند، اما مأموران مانع از انجام این ملاقات شدند.

احمدی‌نژاد همان شب در حیاط بیمارستان در گفت‌وگویی با خبرنگار سایت دولت بهار با کنایه گفت: «امکان ملاقات که نشد، تماس تلفنی که نشد، گواهی سلامت هم که نشد، اینجا که می‌توانیم در حیاط بمانیم تا صبح!». بااین‌حال انتظار محمود احمدی‌نژاد و هوادارانش زیاد به طول نینجامید و او روز گذشته آزاد شد.

واکنش‌ها به بقایی

به گزارش میزان محمدعلی پورمختار عضو کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس در واکنش به اظهارات حمید بقایی درباره قوه قضائیه گفته است: «خب اینکه کسی مثل بقایی اتهامی متوجهش باشد، طبیعتا براساس همین قوانین موجود در آیین دادرسی و براساس نوع اتهام می‌آیند و قراری برایشان صادر می‌کنند که این قرار هم باید متناسب با آن جرم باشد و وقتی نتواند این را تودیع کند در بازداشت به سر می‌برد تا تعیین‌تکلیف شود. این نوع صحبت‌ها که در بین مردم بیان می‌شود و ایجاد تشویش می‌کند و کارکرد عدالت‌محورانه قوه قضائیه را سیاسی جلوه می‌دهد، ظلم به قوه قضائیه است. بقایی هم باید متوجه باشد که فقط باید پاسخ‌گوی اتهاماتش باشد وگرنه مردم نوعا در جریان مسائل نیستند و این نوع صحبت‌کردن‌ها مصداق تشویش اذهان عمومی و تهمت‌زدن است و طبیعتا باید پاسخ‌گو باشد».

محمود احمدی‌نژاد هفته گذشته برای ملاقات با بقایی که به علت اعتصاب غذا به بیمارستان منتقل شده بود، به بیمارستان بقیةالله رفته بود که از ورود او ممانعت شد. بقایی بعد از آزادی از زندان مدعی شده بود که رئیس بیمارستان بابت این ممانعت عذر خواسته است اما به گزارش فارس رئیس بیمارستان بقیةالله در واکنش به سخنان بقایی گفته است: «همراه یکی از استادان به دیدار حمید بقایی برای بررسی روند درمانی وی رفتیم، ملاقات ما دو، سه دقیقه بیشتر طول نکشید و صحبتی جز روند درمان صورت نگرفت». تقی‌پور رئیس بیمارستان بقیةالله گفت: در فضای مجازی صحبت‌هایی از طرف آقای بقایی مبنی بر اینکه بنده از طرف تمام پرسنل از اینکه از ملاقات احمدی‌نژاد با وی جلوگیری کرده عذرخواهی کرده‌ایم، منتشر شده و بنده این صحبت‌ها را تکذیب می‌کنم. بنده همراه یکی از استادان که جراح عمومی هستند به دیدن حمید بقایی رفتیم تا روند درمانی وی را جویا شویم. وی ادامه داد: حمید بقایی دو روز در بیمارستان ما بستری بود و بنده تنها دو، سه دقیقه برای بررسی درمانی وی در اتاق حاضر شدم. اسمی از احمدی‌نژاد و قوه قضائیه برده نشد». او افزود: در این ملاقات دکتر خاتمی جراح عمومی و دو نیرو از قوه قضائیه حضور داشتند که می‌توانند صحت گفته‌های بنده را تأیید کنند. در این ملاقات، حمید بقایی خواست وارد حواشی شود، اما بنده گفتم به‌جز مسائل درمانی، مسئله دیگری را مطرح نکن و هنوز صحبت‌های بقایی شروع نشده، تمام شد. تقی‌پور گفت: وقتی که در اتاق بقایی برای بررسی روند درمانی حاضر شدم، وی از درد شکم گله‌مند بود و گفت که دو هفته است که غذا نمی‌خورد و بنده نیز به وی گفتم که سونوگرافی و آزمایش‌های قلب همه طبیعی است و هیچ مشکلی را نشان نمی‌دهد. او در پایان گفت: اگر در جریان روند درمانی برای بیماری مشکلی پیش آید، ما عذرخواهی می‌کنیم، اما در ملاقات با حمید بقایی مطلقا عذرخواهی صورت نگرفت، زیرا در روند درمان مشکلی نبوده و حرف دیگری نیز زده نشد.

محمدعلی ابطحی، رئیس دفتر رئیس‌جمهوری اسبق، هم در واکنش به سخنان بقایی گفته است: «چقدر بی‌جنبه‌اند. آقای بقایی چند روز رفته زندان. سپس می‌گوید بروید زندان‌ها را ببینید. انگار کهریزک در عهد دقیانوس بوده و مرتضوی هم رفیق بطلمیوس! که نشده در آن دوران به زندان‌ها سر بزنند».

واکنش وکیل بقایی

علی‌اصغر حسینی، وکیل مشایی و بقایی، به سایت دولت بهار گفته است: «پیرو اظهارات دادستان محترم تهران مبنی‌بر تکذیب صحبت‌های شب قبل آقای بقایی و اعلام شکایت و تشکیل پرونده جدید علیه ایشان، در غروب روز پنجشنبه مورخ پنجم مردادماه نودوشش، احضاریه مربوط به این شکایت توسط مأمورین دادستانی به موکل این‌جانب ابلاغ گردید و احتمالا رکورد سریع‌ترین تشکیل پرونده و تعقیب قضائی تاریخ کشورمان شکسته شد؛ چراکه در یک روز پنجشنبه که دادسراها و دادگاه‌های تهران تعطیل هستند، ظرف چند ساعت بعد از اظهارات آقای بقایی، شکایتی علیه ایشان تنظیم و ثبت شده، این شکایت به شعبه بازپرسی ارجاع گردیده، بازپرس مربوطه پرونده را مطالعه و تحقیقات لازم را انجام داده، برای موکلم احضاریه صادر نموده و ظرف چند ساعت این احضاریه به آدرس منزل آقای بقایی ابلاغ شده است». او گفته است: «این در حالی‌است که رسیدگی به پرونده آقای بقایی هنوز تمام نشده و پرونده در مرحله اخذ آخرین دفاعیات متهم قرار دارد. از دادستان محترم تهران سؤال می‌کنیم درحالی‌که هنوز دفاعیات آقای بقایی اخذ نشده و بازپرس پرونده درخصوص رد اتهامات یا واردبودن آنها تصمیم نگرفته و از موکل این‌جانب خواسته شده دفاعیات خود را تا روز دوشنبه هفته آینده به شعبه ارائه دهد، شما چطور با قاطعیت از صدور کیفرخواست علیه آقای بقایی در هفته آینده صحبت می‌کنید؟»

ادامه از صفحه ۴

نقش زنان در مدیریت اصلاح‌طلبانه

اقدام تحسین‌برانگیز وزیر راه‌وشهرسازی در این عرصه علاوه بر یک اقدام مؤثر در حوزه وزارتی خود، می‌تواند نویدی بر حضور پررنگ‌تر زنان در دولت دوازدهم باشد و علی‌القاعده حضور و تداوم وزیرانی مانند زنگنه و آخوندی، تسهیلگر چنین مسیری خواهد بود. مسائل و حقوق زنان البته به‌تنهایی محصور در موضوع مدیریت کلان نیست. بازار کار ایران همچنان وجه غالب مردانه دارد و نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران حتی نسبت به کشورهای منطقه پایین است که انتظار می‌رود دولت با اصلاحات جدی در این حوزه گام‌های مؤثرتری بردارد. نکته شایان توجه استقبال جامعه و رأی‌دهندگان از چنین روندی است که نتایج آن را در دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و نیز شورای شهر می‌بینیم، چنان‌که تعداد بانوان نماینده مجلس در این دوره دوبرابر دوره پیشین شده و در شورای کلان‌شهرها نیز از رشد درخورتوجهی برخوردار بوده است. حضور یکی از بانوان سرشناس اصلاح‌طلب در فهرست هفت‌گانه نامزدهای شهرداری تهران را باید در چارچوب نگاه راهبردی اصلاح‌طلبان به ارتقای جایگاه زنان در مدیریت کلان ارزیابی کرد. باید تأکید کنم که مدیریت اصلاح‌طلبانه شهر تهران در دوره پنجم حتما در تحقق این مسیر و حضور مؤثرتر بانوان شایسته و تحصیل‌کرده این سرزمین در مدیریت شهری گام‌های بلندتری برمی‌دارد. اینک که در آستانه تشکیل دولت هستیم، انتظار فعالان عرصه سیاست و نخبگان جامعه از حسن روحانی توجه به این امر مهم و تداوم افزایش حضور بانوان فرهیخته و توانمند در دولت آینده است.

بانک‌بازی مدیران

محمد صدرهاشمی‌نژاد، دیگر کارشناس بانکی، نیز در گفت‌وگو با «شرق» با تأکید بر اینکه چند سالی است بانک‌ها طبق قانون اجازه تأسیس شعب جدید ندارد، می‌گوید: بانک مرکزی از بانک‌ها تعهد گرفته که تعداد شعب بانکی را کاهش دهند. البته او تأکید می‌کند: مشکل بانک‌ها، تعداد بالای شعب بانکی نیست و مشکلات مهم‌تری گریبان‌گیر آنهاست. این کارشناس بانکی با بیان اینکه تعداد بالای شعب به دلیل غلبه بانک‌داری سنتی در کشور است، ادامه می‌دهد: از اوایل انقلاب تا ۱۰، ۱۵ سال پیش، نظام بانکی ایران فریز شده بود و سیستم بانکی به معنای سیستم بانکی جهانی نداشتیم. او علت این رخداد را ادغام یا دولتی‌شدن سیستم بانکی پس از انقلاب می‌داند و تصریح می‌کند: به‌عنوان نمونه، بانک ملی و صادرات، شعب بانک‌هایی را هم که در آنها ادغام شده بود، داشتند و نمی‌توانستند آنها را دور بریزند.

او تأکید می‌کند اکنون با گذشت این همه سال، هنوز هم فرصت و موقعیت کاهش شعب بانکی برای بانک‌ها فراهم نشده و این کار زمان طولانی می‌برد.

طبق ماده ۱۶ قانون «رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، بانک‌ها و مؤسسات مالی مکلف شده‌اند سالانه حداقل ۳۳ درصد از اموال خود اعم از منقول، غیرمنقول و سرقفلی را که به تملک آنها و شرکت‌های تابعه آنها درآمده و به تشخیص شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی، مازاد است، واگذار کنند، اما به گواه شواهد موجود، هنوز هم سیستم بانکی موفق به اجرای این ماده قانونی نشده است.

ادامه از صفحه ۱۷

آقای رئیس‌جمهور صدای زنان را بشنوید

انتظار حداقلی که از دولت بعدی وجود دارد این است که نه‌تنها این مسیر امتداد پیدا کند، بلکه با توجه به عملکرد موفق معاونت زنان ریاست‌جمهوری تلاش شود که ساختار معاونت زنان به سمت اثرگذاری بیشتر و اختیارات بیشتر و هم‌راستا با دیگر معاونت‌های رئیس‌جمهوری پیش برود؛ یعنی در کنار معاونت زنان ریاست‌جمهوری، سازمان زنان هم در دولت دوازدهم ایجاد شود که این سازمان متکفل جریان‌سازی عدالت جنسیتی در کشور باشد. این انتظار برآمده از انتخابات است و طبیعتا به‌عنوان یک مطالبه در دولت بعدی آقای روحانی وجود دارد و این انتظار یک انتظار حداقلی است. نه‌تنها زنانی که در دولت یازدهم حضور داشتند همچنان حضور داشته باشند، بلکه با توجه به ظرفیتی که ایجاد شده، دولت از توان و پتانسیلی که در ۵۰ درصد از جمعیت کشور وجود دارد و در طول چهار سال گذشته ثابت کرده‌اند که همراه و همگام رئیس‌جمهوری حرکت می‌کنند، در دولت بعدی از این ظرفیت و این پتانسیل برای توسعه استفاده بیشتری شود، نه‌اینکه همین تعداد هم تقلیل پیدا کنند. این مسئله به‌هیچ‌وجه تناسبی با انتظارات جامعه نخواهد داشت». این مطالبه تنها خواسته فعالان حوزه زنان نیست، دانشجویان و جمعیت دانشگاهی نیز درخواست ابقای مولاوردی را در سمت خود دارند. نمونه آنها مریم عابدینی، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی است، او به «شرق» می‌گوید: «در تمام دوران انتخابات برای راضی‌کردن هم‌کلاسی‌ها و هم‌دانشگاهی‌ها از حضور مولاوردی در دولت حسن روحانی مثال می‌زدیم و امروز مضحکه کسانی شده‌ایم که شایعه عدم حضور او را در دولت بعدی می‌شنوند. آنها می‌گویند خود روحانی توانایی پذیرش تغییرات ملموس خود را ندارد، اما مسئله اینجاست که ما انتظار داریم آقای روحانی مطالبه حداقلی ما زنان را بشنوند و جامعه زنان را از حضور این زن توانمند محروم نکنند». هرچند همه این گمانه‌زنی‌ها هنوز در حد شایعه است، اما حافظه تاریخی زنان ایران خاطره خوبی از شایعات ندارد. جدا از شهیندخت مولاوردی، شایعاتی در مورد حذف معصومه ابتکار نیز از کابینه شنیده می‌شود. فعلا چاره‌ای جز صبر نیست؛ صبر به‌همراه بیان مطالبات خطاب به رئیس‌جمهوری که باور داریم صدایمان را می‌شنود و فریادمان را بدون پاسخ نخواهد گذاشت.